

دامنه‌ی نفوذ تفکرات امنیت مدار در قلمروی حقوق کیفری ایران

دکتر علیرضا میلانی^۱ و غلامرضا اردکانی ارجمند^۲

۱- استاد یار گروه حقوق و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، نویسنده مسئول (alirezamillani@yahoo.com)

۲- دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس تهران (rzardelani6@gmail.com)

چکیده

در حقوقی کیفری کلاسیک- که تابعان آن عمدتاً اشخاص حقیقی هستند- و بر پایه آموزه های مکتب دفاع اجتماعی، انسان مجرم دشمن جامعه تلقی نمی شود. او شخصی است که موقتاً از راه راست خارج شده و قابل اصلاح و بازگشت به جامعه است. پیش بینی تضمین های مختلف جهت حفظ حقوق متهم از قبیل اصل برائت، لزوم دادرسی عادلانه، حق استفاده از وکیل، امکان پرسش از شهود، دو درجه ی بودن رسیدگی ها، برابری اطراف دعوی از دستاوردهای این دیدگاه است. با آغاز هزاره سوم، مطالعات حقوق کیفری از حوزه موضوعات خرد به سمت اشکال نوین جرم و سازمان یافته شدن جرایم و مجرمین تغییر مسیر داده است. پیدایش اشکال جدید بزهکاری، به ویژه انواع تروریزم و سازمان یافته شدن و فراملی شدن بزهکاری، حقوق کیفری را با نسل جدیدی از جرایم و مجرمین مواجه نموده است. در حقوق کیفری مدرن (یا به تعبیری حقوق کیفری دشمن مدار یا امنیت مدار)- بر خلاف حقوق کیفری کلاسیک- مجرم یک دشمن است و گفتمان مقنن و دولت خطاب به مجرمین، یک نوع گفتمان رزمی بر پایه ی طرد و اخراج از جامعه است. از همین رو، مناسب ترین راهکار جهت پیشگیری از عقب نشینی حقوق کیفری بشری؛ شناسایی و طبقه بندی جرایم سازمان یافته و فراملی (جرایم امنیتی) و تبیین محدوده ی بکارگیری تفکرات امنیتی وعدم سرایت یافته های حقوق کیفری مدرن - که تأمین امنیت آن را توجیه کرده است - به متهمین جرایم کلاسیک می باشد.

واژه‌های کلیدی: حقوق کیفری کلاسیک - حقوق کیفری امنیت مدار- جرایم امنیتی - جرایم سیاسی

۱- مقدمه

تجلی نگاههای امنیت محور از ابتدای تصویب مقررات کیفری در نظام حقوقی ایران آشکار بوده است. قانونگذار ایران همواره گام های خود را با احتیاط برداشته و در برهه ای حتی شاهد عقب نشینی حقوق کیفری حقوق بشری به نفع سیاست مداخله جویانه و تهاجمی حقوق کیفری بوده ایم. در حال حاضر تفکرات امنیت محور در تمامی ابعاد و در عرصه های مختلف در حال گسترش است، نمود خارجی رشد چنین تفکراتی علاوه بر گنجاندن در برخی مقررات کیفری، حتی در قالب نصب تجهیزات امنیتی از قبیل دوربین های مدار بسته در اماکن خصوصی و عمومی - بدون در نظر گرفتن حق خلوت اشخاص - محسوس است. قانونگذار با تبعیت از جنبش های ترحم مدار با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۳ و با رویکردی تحسین برانگیز تضمینات دادرسی را حداقل در جرایم سنتی و کلاسیک گسترش داد، لیکن بدون ارائه ضابطه جهت تفکیک و طبقه بندی جرایم امنیتی از سایر جرایم نمی توان، به اعمال تضمین های پیش بینی شده، امید داشت. در این مقاله تلاش می شود تأثیر تفکرات مبتنی بر امنیت مداری به اصول و قواعد شناخته شده حقوق کیفری بررسی و ضوابطی جهت تفکیک جرایم امنیتی از جرایم غیر امنیتی ارائه شود تا بتوان تأثیرات مخرب رشد همه جانبه چنین تفکراتی را کاهش داد.

۱- سابقه تاریخی تفکرات امنیتی

بررسی تاریخ حقوق کیفری از وجود مجازات شدید، عدم تساوی و تناسب در تعیین مجازات ها، نبود اصول صحیح در رسیدگی ها در مراحل از سیر تکوینی حقوق جزا خبر می دهد و علت وجود این بی قاعدگی ها و بی عدالتی ها در خودکامگی حاکمان و تلاش در حفظ و تثبیت قدرت شان قابل جستجو است. با این حال در مسیر تکامل حقوق کیفری نظریه های مبتنی بر دفاع اجتماعی با رویکرد بر تعلیم و تربیت و بازسازی (مجرمین) وارد صحنه شده است. بر پایه نگرش های مکاتب دفاع اجتماعی، جای میر غضبان به زندان بانان فهیم و کارآموده داده شد، مدد کاران و روان شناسان به کارگرفته شدند، مسؤلیت های دسته جمعی به مسؤلیت انفرادی تبدیل شد، و محاکم در تعیین مجازات متناسب، صرفاً به عمل مرتکب توجه نداشتند و عکس العمل اجتماعی متناسب با شخصیت واقعی مرتکب را در نظر گرفتند. این سیر تکاملی به ظهور جنبش های ترحم مدار و مجرم مدار رسید و نتیجه آن، اعمال سیاست گستره ی تضمینات دادرسی نسبت به مرتکبین جرایم - علی الخصوص - غیر امنیتی شد. جلوه های ظهور این اندیشه ها در حقوق کیفری ایران - هر چند محتاطانه پیش رفته - ولی ملموس است. برای نمونه می توان به تصویب قانون لغو مجازات شلاق (مصوب ۶ تیر ۱۳۴۴)، قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۳۰ آبان ۱۳۸۳)، تصویب لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی (مصوب ۱۳۵۸.ش) و بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی در رابطه با اعطای اختیار عفو خصوصی به رهبر؛ اشاره نمود. با پیدایش اشکال جدید بزهکاری و سازمان یافته شدن جرایم، تغییری در مطالعات حقوق کیفری - اما این بار با توجیه برقراری امنیت - آغاز شد. از ابتدای تصویب قانون آیین دادرسی ایران در سال ۱۳۹۰ ه. ش نشانه های تفکرات امنیتی ملاحظه می شد؛ برای مثال در متن اولیه قانون مذکور، حکم صریحی درباره ی دخالت وکیل متهم در جریان تحقیقات مقدماتی و جودنداشت (نادیده گرفتن اصل برابری سلاح ها)، حتی با وجود تحولات بوجود آمده در سطح بین المللی در زمینه ی شناسایی بیشتر حقوق دفاعی متهم که نوید حذف محدودیت مقرر وجود داشت، مجدداً قانونگذار ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ به شکل قابل انتقادی تصویب نمود. (خالقی، ۱۳۸۹:۱۴۲) از این رو جلوه های تفکرات امنیت مدار از ابتدای تصویب قوانین کیفری در ایران وجود داشته و با فراز و نشیب هایی روبرو بوده است. برای نمونه تصویب مقرراتی از قبیل، لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی، قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره، قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور، قانون مبارزه با قاچاق انسان، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، و

بوجود آمدن نوعی دادرسی افتراقی در قوانین شکلی به خصوص در حوزه جرایم مرتبط با مواد مخدر می تواند نشانه هایی از شدت و استمرار رویکرد امنیتی می باشد.

۱-۱. سابقه‌ی ظهور جنبش های ترحم مدار و مجرم مدار در حقوق کیفری ایران

از ابتدای تصویب مقررات کیفری در ایران نگرش امنیت محور بر محتوای مقررات کیفری با فراز و فرود های مواجهه بوده است و آثار چنین اندیشه هایی موجب گردید که حقوق کیفری دولت محور و به برابری سلاح ها کم توجهی شود. در ادامه به بررسی تأثیر این نوع نگرش، هم در حقوق جزای شکلی و هم ماهوی خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱. حقوق کیفری شکلی

در نظام حقوقی ایران از ابتدای تصویب مقررات کیفری شکلی سیاست اعمال تضمینات دادرسی به لحاظ قانونی و رویه قضایی، با موانع متعدد و محدودیت های غیر قابل توجهی روبرو بوده و این روند کم و بیش ادامه دارد. از جمله تضمینات دادرسی می توان به حضور وکیل و مداخله وی در مرحله تحقیقات اشاره کرد. روند تحول حق برخورداری متهم از وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی - که یکی از اصول دادرسی عادلانه و برقراری تساوی سلاح ها به شمار می رود- در نظام حقوقی ایران تا حدی شگفت انگیز بوده است. در متن اولیه قانون آیین دادرسی کیفری، حکم صریحی درباره دخالت وکیل متهم در جریان تحقیقات مقدماتی دیده نمی شود. ولی پس از آن در سال ۱۳۳۵ تبصره ای به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری اولیه افزود که ضمن آن به متهم این اختیار داده شد که وی بتواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را بدون آن که - وی بتواند در امر تحقیق مداخله کند- به همراه خود داشته باشد، و او (وکیل) تنها مجاز به «ارائه تذکر به بازپرس» آن هم «پس از خاتمه بازجویی...» دانسته بود. (خالقی، علی، ۱۳۸۹: ۱۴۴) بدیهی است که این نحوه دفاع، وکیل مدافع را به حالت انفعال می کشاند. به همین دلیل انتظار می رفت که در تدوین قانون جدید از دستاوردهای حقوق کیفری کلاسیک در جهت گستره سیاست های تضمینات دادرسی استفاده شود ولی به علت نگرش های امنیت مدار، این امیدواری حاصل نشد و ماده ۱۲۸ ق. آ. د. ک. ۱۳۷۸ و تبصره ذیل آن به شکل قابل انتقادی به تصویب رسید. بدین ترتیب، موقعیت وکیل متهم در تحقیقات مقدماتی نه تنها بهبود نیافت، بلکه از آنچه که در حدود نیم قرن پیش در تبصره ماده ۱۱۲ پیش بینی شده بود نیز محدود تر شد و با رویکرد کلی گویی و مبهم گویی دامنه مداخلات حقوق کیفری را وسیع تر نمود. برای نمونه عبارت «در صورت فساد...» در تبصره ماده ۱۲۸ قانون اخیر التصویب به قدری وسیع و مبهم است که تاب تفسیر های مختلف و متعددی را دارد و در عمل نیز از اجرای نادرست این تبصره به چشم می خورد (همان، ص ۱۴۸)، و جالب تر آن که در جرایم امنیتی حضور وکیل محدودتر و به عبارتی ممنوع شد، در حالی که به دلیل تقابل مستقیم فرد و حکومت، حقوق متهم بیشتر در معرض تجاوز قرار دارد. همان گونه که ملاحظه می شود قانونگذار ایران در تصویب مقررات کیفری بالاخص مقررات شکلی آن از ابتدای شکل گیری حقوق مدون، گام های خود را با احتیاط برداشته و بعضاً شاهد عقب نشینی حقوق کیفری بشری به نفع سیاست مداخله جویانه و تهاجمی حقوق کیفری بوده ایم. خوش بختانه در قانون جدید آیین دادرسی کیفری این مهم اصلاح و با تغییراتی به نفع متهم به تصویب رسید (ماده ۴۸ و تبصره ذیل آن) که این موضوع می تواند قدم بزرگ و مثبت در جهت گستره تضمینات دادرسی حداقل در جرایم کلاسیک باشد.

۱-۱-۲. حقوق کیفری ماهوی

تجلی نگاه‌های سخت‌گیرانه از ابتدای تصویب قوانین کیفری در نظام حقوقی ایران آشکار بود. این دیدگاه در طی دوره ای با سیاست مدارا کردن و در برهه‌ی دیگر با رویکرد مسامحه‌ی صفر به روند خود ادامه داده است. گنجاندن برخی دستاوردهای مکاتب دفاع اجتماعی و پیروی از برخی افکار اندیشمندان و نگاه طیب مآبانه به جامعه‌ی بیمار و مجرمین برخاسته از آن و تجویز راهکارهایی در خصوص درمان برخی مجرمین و در نقطه مقابل تصویب مقررات با رویکرد تهاجمی بر مبنای تفکرات نفع‌گرایی و ستیز با مجرمین و طرد آنان از جامعه، از فراز و نشیب‌های سیر تکاملی قوانین موضوعه نظام حقوقی ایران از ترحم‌مداری تا دشمن‌مداری خبر می‌دهد. برای نمونه پیش‌بینی موادی در قانون مجازات عمومی در خصوص اعطای اختیار تخفیف و تشدید مجازات، نهاد آزادی مشروط، و سایر تاسیسات جزایی نشان از رأفت قوانین و تصویب مقرراتی مانند قانون تشدید مجازات کبوتر پرانی، قانون تشدید مجازات سرعت مسلحانه، قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان اسلحه و دهها قانون رعب‌انگیز دیگر (البته به اقتضای زمان)، شواهدی هستند که حقوق کیفری ایران به حوزه‌ی حقوق کیفری مدرن وارد شده است. جلوه‌هایی از این نوع تفکرات حتی عینیت یافته البته نه در قالب مواد قانونی، بلکه با تأسی از یافته‌های جرم‌شناسی جنبه کاربردی یافته و بفعالیت روزمره افراد جامعه سایه افکنده است. قانونگذار ایران در حوزه حقوق کیفری از ابتدای تدوین مقررات کیفری رویکرد امنیتی داشته است؛ لیکن در برهه‌ای، تحت تاثیر افکار مجرم‌مدارانه در تدوین قوانین و نحوه‌ی اجرای قوانین، سیاست نرمش و لطافت را پیش می‌گیرد. بعد از آن در اثر شرایط اجتماعی و سیاسی و بوجود آمدن جرایم سازمان یافته و فراملی، نظام کیفری ایران سیاست خشن‌تری را پیش گرفت و نشانه‌های حقوق کیفری مدرن در تدوین و اعمال قوانین ملاحظه می‌شود. برجسته‌ترین شاخصه‌ی بکارگیری این نوع سیاست‌ها در حقوق کیفری شکلی نمود پیدا کرده است و آن هم در نادیده گرفتن حقوق شهروندی در جرایم مربوط به حقوق کیفری کلاسیک می‌باشد.

۲- راهکارهای تحدید نفوذ تأثیر تفکرات امنیت محور در قلمرو حقوق کیفری

امروزه گذشته از امنیت جان افراد، که مهم‌ترین مقوله امنیت محسوب می‌شود حیثیت، مال و مسکن افراد، بخش مهمی از امنیت خاطر اشخاص را تشکیل می‌دهد. قانون اساسی (اصل ۲۲) نیز به صراحت موارد مذکور را از تعرض مصون دانسته است. (داوری، محمد، ۱۳۹۰: ۶۰).

لیکن به دلیل نگرش امنیتی، از پیش‌بینی‌هایی که در متون قانونی بعمل آمده است نهادهای قضایی و اجرایی در این مورد مهم، عقب‌نشینی کرده و حتی شاهد هستیم که با صدور یک بخشنامه به سادگی امنیت خاطر و آسایش عموم را با بهانه برقراری امنیت، متعرض می‌شوند. اداره کل قوانین و امور حقوقی ناجا به صدور بخشنامه شماره ۴۰۲/۰۱/۱۷۹/۱-۷۹/۴/۱۱ بر خلاف تصریح ذیل ماده ۲۴ ق.آ. د.ک سابق بازرسی خودروها را علی‌الاطلاق مجاز دانسته و حتی صدور دستور مقام قضایی در زمینه خودداری از تفتیش غیر قانونی را غیر قابل ترتیب اثر اعلام داشته است و جالب آن که این بخشنامه که توسط رای شماره ۱۳۸۰/۶/۱۷-۱۷۷ هیات عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شد؛ برخی عقیده دارند این رای برای محاکم لازم‌الاتباع نیست و بررسی اتومبیل‌ها اساساً نیاز به مجوز قضایی ندارد. (مجموعه نشست‌های قضایی، ۱۳۸۲: ۱۵۴)، از طرفی وجود تورم در قوانین کیفری، که مقدمات آن در جرم‌انگاری ناصحیح و به خصوص عدم جرم‌انگاری مناسب و موثر می‌باشد و همچنین تعدد نهادهای تصویب قانون، عدم بهره‌بردن از فنون یافت، پالایش و جعل قانون، سیاسی شدن امر تقنین، عدم کارایی قواعد

جزا و بی انضباطی و عدم طبقه بندی مناسب جرایم و مجازات ها فاکتورهای تحقق تورم کیفری محسوب می شوند (حبیبی، بهنام، ۱۳۸۹:۵۵) النهایه می بینیم که قانونگذار در جزئی ترین و شخصی ترین مسائل (تصویب کلیات لایحه افزایش نرخ باروری مصوب تیرماه ۱۳۹۳) و با کمترین توجه به مبانی مربوط به جرم انگاری از قبیل صافی اصول، صافی فروض، صافی عملگرایی، اقدام به جرم انگاری نموده است (داوری، محمد، ۱۳۹۰:۶۰)، نتیجه این تورم در قوانین کیفری، لوٹ شدن ساحت جرایم و ربایش امنیت حقوقی می باشد. در این مبحث برآنیم تا راهکاری برون رفت از این تنگنا را ارائه نماییم.

۱-۲. جرایم داخل در قلمرو تفکرات امنیت مدار

قلمروی تفکرات امنیتی آنچنان گسترده است که علاوه بر حقوق کیفری حتی نمود خارجی آن بر فعالیت های روزمره نیز سایه افکنده است و تا آنجا پیش رفته که تجهیزات امنیتی حتی در نمازخانه ی برخی از ادارات نصب شده اند و نادیده گرفتن حق خلوت اشخاص جز درپناه امنیت به هیچ وجه قابل توجیه نیست، با این حال در گستره قلمروی مقررات کیفری، آن دسته از جرایمی بیشتر در تیررس نگاههای امنیتی است که به نوعی مطابق طبقه بندی سنتی جرایم جزء جرایم علیه آسایش و امنیت عمومی باشند؛ از این رو در اینجا قصد داریم دو مقوله ی «جرایم سیاسی» و «جرایم امنیتی» بررسی نماییم و به تجزیه و تحلیل موارد مذکور که مستقیماً مرتبط با موضوع بحث می باشد پردازیم.

۱-۱-۲. ضابط تفکیک جرایم امنیتی

تا کنون هیچ یک از قانونگذاران و حقوقدانان، تعریف جامع و مانعی از جرم سیاسی ارائه نکرده اند و ضابطه ی قطعی قابل قبولی برای تمیز جرم سیاسی از جرایم عمومی در دست نیست. مشکل تعریف جرم سیاسی به حدی پیچیده است که عده ای تعریف آن را محال می دانند. (ساریخانی، عادل، ۱۳۸۴:۲۳) اکثر دولت ها از احصای جرایم سیاسی سرباز می زنند تا بتوانند فضای امنیتی را توسعه دهند. طرفداران توسعه فضای امنیتی با توجیه برقراری امنیت، هرگونه فعالیت علیه حاکمیت را یک جرم امنیتی قلمداد می کند، از منظر آن ها جرم سیاسی با اقدام علیه امنیت کشور مساوی است. ملاحظه می کنیم که قانونگذار با الهام از نظریه کیفرهای سخت گیرانه، در وضع کیفر این نوع از جرایم، صرفاً جنبه ی بازدارندگی و نفع اجتماعی را ملحوظ داشته است و قانونگذار به معیارهای تناسب و اصول حاکم بر حفظ کرامت انسانی در تعیین مجازات- چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی- توجه کافی ننموده است. گواه این مدعا پیش بینی جرم محاربه در جرایم امنیتی در حقوق ایران است و در بسیاری دیگر از جرایم علیه امنیت، اعمال مجازات نامتناسب، مشروط به محاربه محسوب نشدن آن دانسته شده است. در قوانین پس از انقلاب- تصویب شده از مراجع متعدد- می توان جرایمی را یافت که محاربه، در حکم محاربه، افساد فی الارض یا در حکم افساد فی الارض نام برده شده اند؛ در حالی که این جرایم هیچ ارتباطی با سلاح و دست بردن به سلاح علیه حکومت ندارد، از قبیل:

(۱) ایجاد کردن مراکز فساد و فحشا (ماده ۱۰۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲)

(۲) خودداری از عرضه ی کالا یا دادن فاکتور به قصد مقابله با حکومت (مواد ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷)

(۳) ترک محل نگهداری (ماده ۴۳ قانون جرایم نیروی های مسلح مصوب ۱۳۸۲)

بنابراین ملاحظه می شود در وضع کیفیها صرفاً به یک تا دو مورد از معیارهای تناسب توجه داشته و سایر معیارها از قبیل شخصیت مرتکب، میزان صدمه ی وارده و... اساساً به ذهن قانونگذار خطور نکرده است؛ در حالی که این دیدگاه مردود است؛ زیرا در این حالت - حتی - اعتراضات صنفی نیز امنیتی تلقی خواهد شد و تشکلات صنفی از مطالبات به حق خود هراس خواهند داشت. اگر نگرش امنیتی گسترش یابد، آن گاه به طور طبیعی تضمینات دادرسی - که حاصل دستاورد اندیشمندان در طول تاریخ است یکباره کم رنگ و یا نادیده گرفته خواهد شد. بنابراین لازم است برای پیشگیری از نفوذ این نوع نگرش ها، تفکیک جرایم بر پایه ملاک های شفاف و معیارهای دقیق تر در خصوص جرایم سیاسی و امنیتی بعمل آید. هر چند در نگاه اول به نظر می رسد جرایم سیاسی اصولاً به عنوان جرایم ضد امنیت کشور به شمار آیند ولی با امعان نظر تفاوت های آن آشکار می شود. بنابراین اگر بتوانیم ضابطه ایی تعیین نماییم که طبق آن جرایم امنیتی از سیاسی شناسایی شوند آنگاه می توان تفکرات امنیتی را تحدید نمود. از جرم سیاسی تعاریف گوناگونی شده است؛ برای نمونه برخی معتقدند: «جرم سیاسی به هر عمل مجرمانه ای اطلاق می شود که انگیزه ی ارتکاب آن سرنگونی نظام سیاسی واجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمامداری کشور باشد. این جرم ممکن است به تنهایی و یا به همراه جرایم عمومی، اجتماعی و امنیتی ارتکاب شود.» (هاشمی، ج ۲، ۶۴۵:۱۳۸۲) عده ای نیز جرم سیاسی را، جرم علیه شخصیت دولت یا جرم ضد شخصیت کشور یا مخالفت نظم سیاسی داخلی یا خارجی کشور یا بر ضد وظیفه دولت و تشکیلات آن و تغییر رژیم مملکت تعریف کرده اند. (لنگرودی، ترمینولوژی، بی تا: ۱۹۲) دلیل توجه افکار عمومی نسبت به مجریان سیاسی و رفتار معتدل با آن ها، این است که مجرمان سیاسی بر خلاف سایر مجرمان، تحت تاثیر اغراض شخصی و احساسات غیر انسانی حرص و آز و انتقام و حسادت و امثال آن نیستند. هر چند اعمال مجرمان سیاسی از دید گاه حاکمیت، رفتار خطرناکی است که مرتکب آن مستحق مجازات سخت می باشد. به هر حال، در صورتی که اعمال فوق واجد دو شرط اساسی ذیل باشد جرم تلقی نخواهد شد:

۱- عدم مشروعیت نظام حاکم از دیدگاه و اعتقادات مردم

۲- همراهی اکثریت مردم جامعه با مرتکبین این اعمال، یعنی اکثریت این گونه اعمال را مورد قبول قرار دهند. (همان: ۲۵)

اما اگر شرایط فوق محقق نباشد، مثل این که مخالفت، متوجه نظامی باشد که بر اساس اعتقادات صحیح بنیان نهاده شده و مقبول عام نیز باشد، فاعل یا فاعلین، مرتکب اعمال خیانت آمیز به جامعه شده اند. البته پر واضح است که با پذیرش این شرایط دیگر جرم سیاسی مفهومی نخواهد داشت که بخواهیم درصدد تعریفی برای آن باشیم چرا که با وجود موانع مسئولیت کیفری، رفتار مبتنی بر شرایط فوق نه تنها مجرمانه نیست بلکه تحسین برانگیز می باشد و عمل چنین اشخاصی که در جهت اصلاح امور جامعه بپا خاسته اند، دقیقاً منطبق با آموزه های دینی و قرآنی و انسانی است (بقره: ۱۹۳). البته به نظر می رسد بهترین ضابطه ی تفکیک، احصای جرایم امنیتی می باشد. به عبارت دیگر هر رفتاری می بایست بررسی شود که آیا در چهارچوب فعالیت سیاسی است یا خیر؟ اگر پاسخ سؤال منفی است، سپس به تطبیق رفتار مرتکب در قالب جرایم حوزه امنیت بپردازیم. قانونگذار باید سعی کند در جرم انگاری جرایم امنیتی راه قیام ها و جنبش های برخاسته از حس عدالت خواهی و اصلاح طلبی را به هیچ وجه مسدود ننماید. این که در ماده ۴۹۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ قانونگذار مقرر نمود: «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت... که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد، اگر محارب شناخته نشود به حبس از دو سال تا ده سال محکوم می شود»، در سبک و سیاق قانون امویان است. آنان (امویان) توجهی نداشتند که چه کسی و با چه هدفی امنیت جامعه را به هم می زند. هر که می خواهد باشد، پسر علی (ع) یا یک بادیه نشین! به خاطر اصلاح امت جدش باشد یا حب ریاست! - هر

کس با هر مرامی امنیت کشور را به هم بزند، باید به سزای عمل خود برسد. البته سابقه ی تاریخی این ماده به سال ۱۲۹۰ قانون مجازات «مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکتی» بر می گردد و می توان گفت این ماده از ماده ۱۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ گرفته شده است؛ و مهم تر آن این ماده فقط شامل غیر نظامیان می شود و دامنه آن بسیار وسیع است و نظامیان برابر ماده ۱۹ قانون خاص شان محاکمه می شوند. بی سبب نیست در حقوق آمریکا حتی با وجود کشتارهای متعدد در مدارس و اماکن عمومی تا کنون در رابطه با لغو قانون آزادی خرید و فروش اسلحه اقدام جدی انجام نشده و حتی مجلس سنای آمریکا با طرح ممنوعیت خرید و فروش اسلحه مخالفت نموده است. (هر چند به دلایل متعددی مجلس سنا با این موضوع مخالفت می نماید). چرا که واضعین این قانون از خلع سلاح شدن افراد جامعه بیمناک بودند و با این اقدام راه مبارزات احتمالی تابعین را علیه حاکمان خود کامه مسدود نمودند. (www.bbc.co.uk/.../130922_l42_vid_us_arms) به همین منظور انتظار می رود قانونگذار در احصای جرایم امنیتی این نکته را مد نظر داشته باشد که هر انتقاد علیه حاکمیت یا هر حرکت سیاسی، با توجیهاتی از قبیل قصد براندازی، تحریک به شورش، تشویش اذهان عمومی در نطفه خاموش نشود؛ چرا که بسیاری از فعالیت های سیاسی مصلحانه مستلزم اقداماتی از قبیل آگاهی بخشیدن به افراد جامعه است که این اعمال می تواند نوعی تحریک یا تشویش تلقی شود. اگر قائل به این تفکیک نباشیم آن گاه باید بپذیریم سرکوب تمامی نهضت های آزادی بخش در طول تاریخ قانونی بوده است و رهبران این گونه جنبش ها عمل غیر قانونی انجام داده اند!

نتیجه گیری:

از ابتدای تصویب مقررات کیفری در حقوق ایران نگرش و تفکرات امنیتی - علی الخصوص در قوانین شکلی - وجود داشته و با وجود فراز و نشیب در سیر تکاملی آن، لیکن با تولد حقوق کیفری مدرن و با ظهور جلوه های آن در اکثر نظام های حقوقی، قانونگذار ایران نیز با تأسی از آن، مجدداً در جهت توسعه ی فضای امنیتی و با روی آوردن به جرم انگاری حداکثری و تهاجمی با تصویب مقررات کیفری - با حفظ اصالت سودمندی و نفع گرایی محض - و با گزینش پاسخ های کیفری سرکوب گرانه، کرامت انسانی را نادیده گرفته و از سیاست گسترده ی تضمینات دادرسی بدور مانده است. با این حال بهتر است قانونگذار جرایم امنیتی را احصا و شرایط ارتکاب هر یک را به دقت تبیین نماید. هر رفتاری که با منافع حاکمیت در تقابل باشد به شرط آن که واجد شرایط:

الف - عدم مقبولیت یا مشروعیت نظام حاکم؛ میزان سنجش عدم مقبولیت مراجعه به تعداد رأی دهندگان به احزاب موافق حاکمیت یا میزان مشارکت جامعه در انتخابات می تواند باشد.

ب - همراهی اکثریت مردم جامعه با مرتکبین

ج - اقدام مرتکبین غیر مخرب باشد، جرم علیه امنیت نیست بلکه صرفاً یک فعالیت سیاسی تلقی می شود. به عبارتی شرایط فوق از موانع تحقق مسؤلیت کیفری محسوب خواهد شد. بپذیرش شرایط مذکور دیگر جرم سیاسی مفهومی نخواهد داشت؛ یعنی هر رفتاری که در قالب فعالیت سیاسی قرار نگیرد جرم امنیتی خواهد بود. بنابراین با تفکیک جرایم امنیتی از فعالیت سیاسی، دادرسی افتراقی به وجود آمده، مختص مرتکبین جرایم امنیتی خواهد بود و نسبت به سایر جرایم تسری نمی یابد.

منابع
قرآن
کتاب ها

- ۱- صادقی، میرمحمدحسین (۱۳۸۴)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، تهران، چاپ پنجم
- ۲- ساریخانی، عادل (۱۳۸۴)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات دانشگاه قم، قم، چاپ اول
- ۳- خالقی، علی (۱۳۹۰)، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهردانش، تهران، چاپ سیزدهم
- ۴- آشوری، محمد (۱۳۸۳)، آیین دادرسی کیفری ج ۲، انتشارات سمت، تهران
- ۵- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳)، مجموعه مقالات جنایی، انتشارات سمت، تهران
- ۶- محسنی، مرتضی (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی ج ۱ و ۲، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ دوم
- ۷- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۷)، حقوق جزای عمومی ج ۱ و ۲، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، تهران، چاپ هیجدهم

مقالات

- ۱- مجیدی، سید محمود (۱۳۸۸)، جلوه های ظهور حقوق کیفری امنیت مدار در فرانسه، مجله دانشکده حقوق، دوره ۳۹، شماره ۲، ص ۳۲۷-۳۴۴
- ۲- کشکولی، رسول و مظفر (۱۳۹۰)، مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی در حقوق کیفری ایران، خبر نامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، مدرسه حقوق، شماره ۶۰
- ۳- کاظم زاده، کاظم (۱۳۹۰)، اهمیت حقوق شهروندی و نقض آن در دادرسی های کیفری، خبر نامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، مدرسه حقوق، شماره ۶۸
- ۴- ربیسی، غلامحسین (۱۳۹۱)، نقش وکیل در حمایت از حقوق بنیادین متهم، خبر نامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، مدرسه حقوق، شماره ۷۱
- ۵- حبیبی، بهنام (۱۳۸۹)، سوء تقنین کیفری، خبر نامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، مدرسه حقوق، شماره ۵۵
- ۶- www.bbc.co.uk